

آشنایی با
مبانی استدلال اخلاقی
بر اساس مفاهیم و اصول تفکر انتقادی

ریچارد پاول و لیندا الدر
ترجمه‌ی پیام یزدانی



نشر اختران

فهرست

سخنی با خواننده..... ۹

کارکرد اخلاق و مانع اصلی در برابر آن (کار اصلی استدلال اخلاقی روشن کردن دو دسته از اعمال است: اعمالی که موجب اعتلای بهروزی دیگران می شود - و سزاوار ستایش است - و اعمالی که ناقض بهروزی دیگران است - و مستحق نکوهش. مطالعه‌ی استدلال اخلاقی بسیار مهم است زیرا انسان به سرشت خود سخت گرایش دارد به خودمحوری، تعصب، خودتوجیه‌گری و خودفریبی). ۱۱

مسئله‌ی شبه اخلاق (نگرش دینی {مبتنی بر یزدان‌شناسی}، نگرش عرفی {مبتنی بر سنت‌ها و منهیات}، نگرش سیاسی {مبتنی بر ایدئولوژی و عوامل ذی‌نفع}، و نگرش قانونی {مبتنی بر رویه‌های سیاسی و فشارهای اجتماعی} اغلب با نگرش اخلاقی مشتبه می‌شوند. اما چنین نگره‌هایی محل مناقشه‌اند و برای تبیین اصول جهان‌شمول اخلاقی نمی‌توان صرفاً آن‌ها را مبنا قرار داد). ۲۰

مؤلفه‌های استدلال اخلاقی (ساختار استدلال اخلاقی در اساس همان است که هر نوع استدلالی بر آن بنا می‌شود. باید سازه‌های اساسی تفکر را که در استدلال خود از آن‌ها استفاده می‌کنیم بشناسیم و بدانیم چگونه آن‌ها را ارزیابی کنیم). ۳۳

منطق استدلال اخلاقی (استدلال اخلاقی هم درست مثل استدلال ریاضی یا علمی یا پزشکی منطقی دارد. مثلاً، ما هرگاه استدلالی اخلاقی می‌کنیم هدفی داریم، از دیدگاهی استدلال می‌کنیم، بعضی مفروضات اخلاقی را مبنا می‌گیریم، و این روند به بعضی استلزامات و پیامدهای اخلاقی منتج می‌شود). ۳۵

زبان و استدلال اخلاقی (استدلال اخلاقی مستلزم فهم دقیق مفاهیم و اصول جهان‌شمول اخلاقی است. واژه‌های اخلاقی زبانی که بدان صحبت می‌کنیم حامل این مفاهیم و اصول است). ۳۸

دو نوع پرسش اخلاقی (برخی پرسش‌های اخلاقی پاسخ قطعی دارند، و یافتن پاسخ برای برخی دیگر مستلزم قضاوت مستدل است. برای استدلال در مورد هر پرسش اخلاقی باید معلوم کنیم که آن پرسش ساده است یا پیچیده.)..... ۴۹

اهمیت حقایق و دیدگاه (استدلال اخلاقی مستلزم فهم دقیق حقایق مربوط به پرسش اخلاقی است، همچنین اشراف بر معقول‌ترین تفسیرهای ممکن از این حقایق.)..... ۵۴

معیارهای فکری برای ارزیابی استدلال اخلاقی (استدلال اخلاقی باید مطابق همان معیارهای فکری باشد که در مورد سایر حوزه‌های دانش نیز صدق می‌کند. مثلاً، استدلال اخلاقی استوار باید واضح، درست، دقیق، مربوط، عمیق، واسع، منطقی، و به‌دور از پیش‌پاافتادگی باشد، و گاهی هم باید با پیچیدگی‌های مسئله روبه‌رو شود و از منظر دیدگاه‌های متعدد به آن بنگرد.)..... ۵۹

توانایی‌های استدلالی در زمینه‌ی امور اخلاقی (برای استدلال اخلاقی داشتن برخی توانایی‌های فکری ضروری است.)..... ۶۱

فضیلت‌های مهم اخلاقی (برای استدلال اخلاقی داشتن برخی ویژگی‌های فکری/ اخلاقی ضروری است.)..... ۶۶

مؤخره..... ۶۸

پیوست‌ها

واژه‌نامه..... ۷۲

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر..... ۸۷

اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر..... ۹۵

سخنی با خواننده

پرورش توانایی‌های استدلال اخلاقی بسیار مهم است - هم برای اخلاقی زیستن و هم برای ساختن جهانی اخلاق‌مدار. در این کتاب راهنمای مختصر می‌خواهیم به مبانی استدلال اخلاقی پردازیم. قصدمان آشنا کردن خواننده با تمهیدات فکری لازم است برای استدلال در مورد قضایا و مسائل اخلاقی به روشی روشن‌بینانه.

اخلاقیات مجموعه‌ای است از مفاهیم و اصول راهنما برای تعیین اینکه کدام رفتار موجب کمک به موجودات واجد احساسات می‌شود و کدام رفتار به آن‌ها آزار می‌رساند. اما متأسفانه اغلب مردم اخلاقیات را با رفتار مطابق با عرف اجتماعی، باورهای مذهبی، و قانون یکی می‌گیرند و آن را حوزه‌ای مستقل در نظر نمی‌آورند. اغلب توجه ندارند که مفاهیم و اصول اخلاقی، که در اسنادی چون اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تعریف شده، جهان‌شمول، فرافرهنگی و فرامذهبی‌اند. برای پذیرفتن اینکه بردگی، نسل‌کشی، شکنجه، تبعیض جنسیتی، قتل، ضرب‌وشتم، تقلب، تدلیس و اراغاب اخلاقاً نادرست است لازم نیست حتماً متوسل به باوری مذهبی یا عرف اجتماعی بشویم. از سوی دیگر، اگر صرفاً معیارهای مذهبی یا فرهنگی را مبنای نتیجه‌گیری‌های اخلاقی قرار دهیم در برابر کسانی قرار می‌گیریم که باورهای مذهبی یا فرهنگی دیگری دارند. بنابراین بسیار مهم است که همه مفاهیم و اصول اخلاقی مشترکی را برای استدلال در مورد مسائل معمول اخلاقی مبنای قرار دهیم.

با بررسی اصطلاحات معمول در گفتمان اخلاقی کمابیش تمام زبان‌ها، نظام گسترده‌ای از مفاهیم مهم اخلاقی می‌توان یافت. در هر زبانی واژه‌هایی برای خصلت‌های پسندیده‌ی اخلاقی مانند مهربانی، روشن‌بینی، بی‌طرفی،

راست گویی، شفقت، دلسوز بودن، و شرافت مندی هست. برای خصلت‌های اخلاقی منفی هم هر زبانی صدها واژه دارد — برای خودخواهی، تعصب، غرض‌ورزی، انتقام‌جویی، آزارگری، بی‌رحمی، یا ستمکاری. معنای ماهوی چنین واژه‌هایی تابع این یا آن نگرش یزدان‌شناختی یا عرف اجتماعی نیست. مفهوم زندگی اخلاقی مبتنی بر این حقیقت است که انسان‌ها هم قادرند به یکدیگر کمک کنند هم آزار برسانند؛ هم سبب بهبود کیفیت زندگی یکدیگر شوند هم باعث تخریب آن.

علاوه بر قدرت تمیز دادن اصطلاحات مطلقاً اخلاقی از تعابیر دینی یا عرفی، استدلال ماهرانه در حوزه‌ی اخلاق مستلزم همان مهارت‌ها و فضیلت‌های فکری است که برای استدلال در سایر حوزه‌ها لازم داریم. باید بتوانید استدلال را به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن تجزیه کنید. باید در ارزیابی استدلال به لحاظ وضوح، درستی، مربوط بودن، عمق، وسعت، و منطقی بودن خبره باشید. باید تواضع فکری، پشتکار فکری، و همدلی فکری داشته باشید. این راهنمای مختصر قرار نیست به خودی خود کسی را به فردی اخلاق‌مند بدل کند. اما شالوده‌ای پیش می‌گذارد که بدون آن گفت‌وگو در زمینه‌ی اخلاق اغلب به جدل‌های بی‌پایان یا ناسازگاری‌های دلسردکننده و کج‌فهمی می‌انجامد. رسیدن به جایگاه استدلال‌گر اخلاقی صاحب بینش و انسان اخلاق‌مدار وقت و تمرین بسیار می‌خواهد. برای رسیدن به چنین جایگاهی خود باید همت کنیم.

کارکرد اخلاق و مانع اصلی در برابر آن

«کاش فقط مستی آدم شرور بودند که خبیثانه اینجا و آنجا مرتکب اعمال شرورانه می‌شدند و فقط لازم بود آن‌ها را از بقیه‌ی مردم جدا و معدوم کنیم. اما مرز میان خیر و شر یک‌راست از میان وجود تک‌تک انسان‌ها می‌گذرد.»

الکساندر سولژنیتسین، مجمع‌الجزایر گولاگ

کار اصلی استدلال اخلاقی روشن کردن دو دسته از اعمال است: اعمالی که موجب اعتلای بهروزی دیگران می‌شود – و سزاوار ستایش است – و اعمالی که ناقض بهروزی دیگران است – و مستحق نکوهش. پرورش توانایی در استدلال اخلاقی بسیار مهم است زیرا انسان به سرشت خود سخت گرایش دارد به خودمحوری، تعصب، خودتوجیه‌گری و خودفریبی. این گرایش‌ها بر اثر برخی عوامل فرهنگی جامعه‌محور – مثلاً رسانه‌های گروهی – تشدید هم می‌شود. تنها راه مقابله‌ی جدی با این گرایش‌ها پرورش نظام‌مند انصاف، صداقت، درستی، خودشناسی، و توجه جدی به بهروزی دیگران است. ما هرگز نخواهیم توانست خودمحوری را کاملاً و برای همیشه از ذهن خود ریشه‌کن کنیم، اما می‌توانیم فضیلت و اخلاق‌مندی را در خود پرورش دهیم و به این ترتیب پیوسته با خودمحوری مبارزه کنیم.

مبنای اخلاق روشن است: رفتار آدمی پیامدهایی برای بهروزی دیگران دارد. ما این توانایی را داریم که با دیگران طوری رفتار کنیم که کیفیت زندگی آنان را بهتر یا بدتر کند. می‌توانیم کمک کنیم و می‌توانیم آزار برسانیم. علاوه بر این، دست‌کم به‌لحاظ نظری می‌توانیم تشخیص بدهیم کی داریم کمک می‌کنیم و کجا داریم آزار می‌رسانیم. علتش هم این است که ما این قابلیت

ذهنی را داریم که خود را به جای دیگری بگذاریم و دریابیم که اگر دیگری ما چنین می‌کرد که ما با او می‌کنیم، چه تأثیری بر ما می‌گذاشت.

بنابراین تقریباً همه دست‌کم به زبان با اصول کلی اخلاق موافقتند؛ مثلاً اینکه تقلب، فریبکاری، بهره‌کشی، بدرفتاری، لطمه زدن یا دزدی غیراخلاقی است؛ همه اخلاقاً مسئولند حقوق دیگران از جمله آزادی و رفاه را رعایت کنند، به کسانی که نیاز به کمک دارند کمک کنند، در پی خیر عمومی باشند نه فقط منافع شخصی و لذت‌های خودمحورانه، و هر طور که می‌توانند بکوشند جهان را عادلانه‌تر و انسانی‌تر کنند.

حتی کودکان نیز تصویری از اینکه کمک کردن و آزار رساندن به دیگران چیست دارند. اما متأسفانه کودکان (مثل بزرگسالان) عموماً آزاری را که دیگری به آنان می‌رساند راحت‌تر تشخیص می‌دهند تا لطمه‌ای را که خودشان به دیگران می‌زنند:

- «نامردیه! به اون بیش‌تر از من دادی!»
- «این دختره نمی‌ذاره من به اسباب‌بازی‌هاش دست بزنم!»
- «من روزد! من که کاریش نداشتم! بدجنس!»
- «به‌م قول داده بود. حالا عروسکم رو پس نمی‌ده!»
- «نوبت منه. نوبت تو تموم شد. نامردیه!»

تصمیمات اخلاقی مستلزم درک عمیق است

متأسفانه توافق زبانی صرف بر سر اصول اخلاقی نه اهداف اخلاقی را محقق می‌کند نه جهان را به جای بهتری بدل می‌کند. اصول اخلاقی فقط وقتی معنا دارد که در رفتار متجلی شود. و این مستلزم مهارت‌های فکری و همچنین بصیرت اخلاقی است.

چنین نیست که ما همیشه با قضایای روشن اخلاقی سروکار داشته باشیم. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن تبلیغات و خودفریبی سکه‌ی

رایج است. پرداختن به مباحث مورد توجه مردم و خبررسانی‌های رسانه‌ای بی‌طرفانه و آزادانه صورت نمی‌گیرد. پول‌های هنگفتی صرف می‌شود تا مردم وقایع جهان را فقط از این یا آن زاویه‌ی خاص ببینند. علاوه بر این، خود ما هم به تبع جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و فرهنگی که با آن بار آمده‌ایم، سخت مستعد این هستیم که بعضی افراد و ملت‌ها را در جبهه‌ی خیر و بعضی دیگر را در جبهه‌ی شر ببینیم. انسان‌ها عموماً خود را در جبهه‌ی خیر و دشمنان‌شان را در جبهه‌ی شر در نظر می‌آورند:

«ما باید جهان را از شرارت آزاد کنیم.»

«اکنون زمان آن است که در برابر شرارت بایستیم.»

«در سراسر جهان و سالیان سال با شر مبارزه خواهیم کرد و پیروز خواهیم شد.»

«شما یا با ما هستید یا ضد ما.»

جرج بوش، ۲۰۰۲

در جهان امروز گاهی کاری که اخلاقاً باید در فلان موقعیت کرد واضح و بدیهی نمایانده می‌شود در حالی که محل تردید است، و برعکس گاهی آنچه را که به لحاظ اخلاقی واضح و بدیهی است محل تردید می‌نمایانند. فلان گروه اجتماعی، مذهبی، یا سیاسی عملی را از منظر اخلاقی می‌ستایند و گروهی دیگر دقیقاً همان عمل را تقبیح می‌کنند.

پرورش فضائل مهم فکری به‌واسطه‌ی الگوسازی رفتاری و ترغیب کاری شدنی است. می‌توانیم بیاموزیم که به حقوق دیگران احترام بگذاریم و تنها به فکر برآوردن خواست‌های خودمان نباشیم. اینجا مشکل اصلی تمیز دادن کمک کردن از آزار رساندن نیست، بلکه بیش‌تر گرایش ذاتی ماست به اینکه فقط به خودمان و نزدیکان‌مان توجه داشته باشیم.